



این شماره تقدیم می‌شود به
شهید
داریوش رضایی نژاد

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۵۶
جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

جبهه
انرژی

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال



سرمقاله

جنگ مسیرها و آینده اقتصاد ایران



♦ | در روزهای بحران، قدرت نفتی کشورها فقط با تعداد بشکه‌هایی که تولید می‌کنند سنجیده نمی‌شود؛ با تعداد مسیرهایی سنجیده می‌شود که می‌توانند آن بشکه‌ها را به بازار برسانند. ایران سال‌ها آموخته است که تحریم را می‌توان با تخفیف، شبکه‌های واسطه، مشتریان محدود و مسیرهای پیچیده دور زد؛ اما جنگ و مخاطره دریایی مسئله‌ای سخت‌تر است. در این وضعیت، مشکل فقط فروش نیست؛ مشکل، رسیدن نفت، فرآورده، کالا و حتی واردات حیاتی به نقطه امن مبادله است.

نقطه آسیب‌پذیری ایران همین تمرکز مسیر است. خاگ همچنان ستون اصلی صادرات نفت ایران است. گزارش‌های ردیابی نفتکش‌ها در سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد بخش بسیار بزرگی از صادرات نفت خام ایران همچنان از این پایانه انجام می‌شود. این تمرکز، از یک سو ظرفیت تاریخی خاگ را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، خطر راهبردی آن را آشکار می‌کند: وقتی یک پایانه چنین سهمی از صادرات دارد، هر تهدید نظامی، بیمه‌ای، دریایی یا عملیاتی علیه آن می‌تواند زنجیره درآمد نفتی کشور را تحت فشار قرار دهد. ایران تا پیش از تشدید بحران نشان داده بود که سیاست «صفر کردن صادرات نفت» در عمل شکست خورده است. برآوردهای بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ صادرات نفت خام و میعانات ایران

را در محدوده حدود ۱.۵ تا ۱.۷ میلیون بشکه در روز و مجموع صادرات نفتی، شامل فرآورده‌ها، را بیش از ۲ میلیون بشکه در روز نشان می‌داد. اما تحریم عادی با جنگ و مخاطره دریایی تفاوت دارد. در تحریم، مسیرها پرهزینه می‌شوند؛ در بحران دریایی، خود مسیر به میدان فشار تبدیل می‌شود. اگر نفت در مخزن بماند یا روی آب ذخیره شود، هنوز به درآمد تبدیل نشده است. از همین‌جا معنای واقعی کریدورها روشن می‌شود. کریدورهای زمینی و ریلی قرار نیست جای نفتکش‌های غول‌پیکر را در صادرات نفت خام بگیرند. نفت خام در مقیاس میلیون بشکه در روز به خط لوله، مخزن، پایانه تخصصی، گوی شناور، نفتکش و بیمه نیاز دارد. بنابراین خط‌آهن، به‌تنهایی، پاسخ صادرات نفت خام نیست. اما ریل، بندر، جاده، مرزهای زمینی و کریدورهای منطقه‌ای می‌توانند اقتصاد ایران را از وابستگی تک‌مسیری نجات دهند: صادرات فرآورده، قیر، پتروشیمی، فولاد، مواد معدنی، کالاهای کانتینری و واردات کالاهای اساسی را متنوع کنند و اجازه ندهند فشار بر یک تنگه یا پایانه، کل تجارت کشور را فلج کند. در این چارچوب، خط لوله گوره، جاسک یکی از مهم‌ترین ایده‌های راهبردی ایران است. فلسفه جاسک روشن بود: بخشی از نفت ایران از غرب کشور به ساحل دریای عمان منتقل شود تا

صادرات فقط وابسته به خاگ و عبور از تنگه هرمز نباشد. اهمیت جاسک در حذف کامل ریسک دریایی نیست؛ جاسک نیز بندر صادرات دریایی است. اهمیت آن در کاهش تمرکز بر خاگ و کاستن از وابستگی به هرمز است. با این حال، میان ظرفیت اسمی و بهره‌برداری واقعی فاصله جدی وجود دارد. ظرفیت اعلامی این خط تا یک میلیون بشکه در روز ذکر شده، اما بهره‌برداری پایدار آن هنوز با این عدد فاصله دارد و گزارش‌های بین‌المللی سهم عملیاتی جاسک از صادرات نفت ایران را در سال‌های اخیر بسیار محدود دانسته‌اند. این یعنی جاسک ظرفیت حیاتی است، اما هنوز سپر کامل نیست. سیاست کریدوری دولت شهید آیت‌الله رئیسی را باید در همین منطق فهمید. اهمیت آن در این نبود که همه پروژه‌ها از صفر آغاز شدند؛ بسیاری سابقه طولانی داشتند. اهمیت دولت رئیسی در تغییر جهت سیاست خارجی اقتصادی بود: از انتظار برای گشایش غربی به سمت اتصال منطقه‌ای، همسایگی، شرق، شانگهای، بریکس، چابهار و کریدور شمال - جنوب. در دوره‌ای که تحریم و ریسک دریایی افزایش یافته بود، این چرخش راهبردی معنا داشت. رشت، آستارا حلقه مفقوده اتصال ریلی ایران به جمهوری آذربایجان، روسیه و کریدور شمال - جنوب است. این خط قرار نیست نفت خام

ایران را صادر کند، اما می‌تواند جایگاه ایران را در تجارت اوراسیا تقویت کند؛ از ترانزیت روسیه و هند تا صادرات غیرنفتی ایران به قفقاز و بازارهای شمالی. چابهار نیز ستون دیگر این معماری است: بندری بیرون از تنگه هرمز که می‌تواند ایران را به هند، افغانستان و آسیای مرکزی وصل کند. اما چابهار هم تا زمانی که به شبکه ریلی، جاده‌ای و پس‌کرانه فعال متصل نشود، بیشتر ظرفیت ژئوپلیتیکی است تا قدرت اقتصادی بالفعل.

جمع‌بندی روشن است: ایران در جنگ مسیرها مزیت جغرافیایی دارد، اما هنوز همه این مزیت را به ظرفیت عملیاتی تبدیل نکرده است. خاگ ستون اصلی نفت است؛ جاسک باید از ظرفیت اسمی به صادرات واقعی برسد؛ رشت، آستارا باید حلقه شمال، جنوب را کامل کند؛ چابهار باید به ریل و آسیای مرکزی وصل شود؛ و صادرات فرآورده و کالاهای با ارزش افزوده باید سهم بیشتری بگیرد.

میراث مهم شهید رئیسی همین تغییر نگاه بود: اقتصاد ایران نباید فقط منتظر رفع فشار بماند؛ باید برای زندگی در شرایط فشار، مسیر بسازد. قدرت آینده ایران فقط در بشکه‌هایی نیست که تولید می‌کند؛ در مسیرهایی است که آن بشکه‌ها، فرآورده‌ها و کالاهای با ارزش افزوده را حتی در روزهای بحران به بازار می‌رساند. ♦

تحولات بازار جهانی نفت



بازار انرژی در تلاطم؛ از بنزین ۶ دلاری در آمریکا تا هشدار جهش قیمت نفت

خبرخوان

● **انبارهای انرژی آمریکا آب رفت**

آمارهای جدید اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) از افت سریع ذخایر سوخت این کشور خبر می‌دهد. تنها در یک هفته، بیش از ۴ درصد از ذخایر دیزل و نزدیک به ۳ درصد از ذخایر بنزین آمریکا کاهش یافته. تازه هنوز فصل سفرهای تابستانی آغاز نشده و حدود ۲ درصد از ذخایر استراتژیک نفت آمریکا نیز کاهش یافته؛ همه چیز آماده شوک بر بازار انرژی است.

● **بحران انرژی اروپا مربوط به نفت است!**

برق هسته‌ای فرانسه فرشته نجات شد
خاویر بلاس خبرنگار بلومبرگ: بحران انرژی اروپا در سال ۲۰۲۲ عمدتاً درباره قیمت‌های گاز طبیعی و برق بود. شوک سال ۲۰۲۶ در اروپا عمدتاً درباره نفت است. بازارهای برق اتحادیه اروپا عمدتاً پایدار باقی مانده‌اند. یک دلیل کلیدی این است که فرانسه در این دوره مقدار زیادی برق هسته‌ای تولید می‌کند.

● **دیروز ۱۲ کشتی از تنگه هرمز عبور کردند**

کپلر نوشت: روز گذشته ۱۲ کشتی از تنگه هرمز عبور کرده‌که تعداد آن نسبت به روز قبلش ۴ عدد بیشتر شده بود. همه کشتی‌ها از غرب به سمت شرق حرکت کردند یعنی در حال خروج از خلیج فارس بوده‌اند.

کلمبیا، بسیاری از میادین نفتی ایران از نظر فنی امکان توقف و از سرگیری تولید را دارند و با محدودیت‌هایی مانند میدان‌های فوق سنگین یا شرایط پیچیده میدان‌های یخی روسیه مواجه نیستند. حتی در برخی موارد، توقف موقت تولید می‌تواند به بهبود فشار مخزن و افزایش ضریب بازیافت نفت در آینده کمک کند. با این حال، چالش اصلی در بخش گاز مطرح می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در صورت پر شدن مخازن میعانات گازی و کاهش تولید گاز، احتمال ایجاد محدودیت در توزیع گاز میان نیروگاه‌ها، صنایع، صادرات و مصرف خانگی وجود خواهد داشت.

همزمان، نشریه اکونومیست نیز در تحلیلی از وضعیت بازار نفت هشدار داده است که قیمت‌ها هنوز به‌طور کامل اثر کاهش عرضه را منعکس نکرده‌اند. به‌گفته این نشریه، برای جبران حدود ۱۴ میلیون بشکه کاهش عرضه در بازار جهانی، قیمت نفت برنت باید بیش از دو برابر سطح پیش از جنگ افزایش یابد و از مرز ۱۵۰ دلار در هر بشکه عبور کند. با وجود این، تا اواسط آوریل معامله‌گران قیمت‌ها را زیر ۹۰ دلار نگه داشتند بودند و تنها با تشدید تنش‌ها قیمت‌ها به حدود ۱۲۵ دلار رسید.

مجموع این تحولات نشان می‌دهد بازار جهانی انرژی در دوره‌ای از عدم قطعیت و نوسان قرار گرفته است؛ دوره‌ای که در آن شروع درگیری‌ها، اختلال در مسیرهای عرضه و واکنش بازیگران بزرگ بازار می‌تواند جهت‌گیری قیمت‌ها و جریان تجارت انرژی را در ماه‌های آینده تعیین کند.